

تأثیر بسته آموزش کارآفرینی بر خلاقیت و اعتمادبه‌نفس کودکان پیش دبستانی

زهرة عزیزی*¹ - مجید صفاری‌نیا² - احمد علیپور³ - رضا زعفریان⁴

1. کاندیدای دکترای روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران

2 و 3. استاد گروه روان‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران

4. دانشیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: 1398/2/22

تاریخ پذیرش: 1398/6/7

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر بسته آموزش کارآفرینی بر مؤلفه‌های خلاقیت و اعتمادبه‌نفس کودکان پیش‌دبستانی شهر تهران انجام شده است. روش پژوهش برحسب هدف، کاربردی، نیمه‌آزمایشی (با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل) بود. جامعه پژوهش شامل کودکان 4-6 ساله 2 مرکز پیش‌دبستانی منطقه 18 تهران، در سال تحصیلی 98-1397 است که به‌صورت هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. در مرحله بعد با انجام هماهنگی‌های لازم، آزمون تصویری خلاقیت تورنس و اعتمادبه‌نفس کودکان (فرم مربی) روی تمام کودکان اجرا شد. پس از تحلیل نمرات از هر مرکز، 15 کودک که دارای نمره خلاقیت و اعتمادبه‌نفس کمتری بودند، انتخاب شده و به‌صورت تصادفی، کودکان مرکز 1 در گروه آزمایش و کودکان مرکز 2 در گروه کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش، 11 جلسه آموزش کارآفرینی دریافت کرده و گروه کنترل، فقط آموزش‌های روزمره دریافت کرد. داده‌های گردآوری شده در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد. یافته‌های آزمون تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش کارآفرینی موجب بهبود انعطاف، ابتکار، بسط و اعتمادبه‌نفس گروه آزمایش شده است و در مورد مؤلفه‌ی سیالی تغییر معناداری مشاهده نشد. یافته‌های پژوهش حاضر بر اثربخشی و لزوم توجه به آموزش‌های کارآفرینی در سنین پیش از دبستان تأکید دارد.

واژه‌های کلیدی: اعتمادبه‌نفس، آموزش کارآفرینی، خلاقیت، کودکان

مقدمه

آموزش کارآفرینی معمولاً به صورت دوره‌های نسبتاً کوتاه‌مدت، در سنین نزدیک به ورود به بازار کار و بهره‌وری و با تأکید بر مهارت‌آموزی ارائه می‌شود؛ درحالی‌که به‌طور مشخص کسب تفکر تخصصی در هر زمینه، مستلزم آموزش‌های به‌هنگام در کودکی است (Prietula & Ericsson, Cokely, 2007). به همین علت، آموزش کارآفرینی در سال‌های نخست کودکی نیز به‌صورت یک نیاز مطرح شده است (Sarikaya & Coşkun, 2015). براساس پژوهش‌ها، خلاقیت و اعتمادبه‌نفس دو عامل مهم شخصیتی در کارآفرینان موفق هستند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد با اعتمادبه‌نفس بالا بهتر می‌توانند با مشکلات و چالش‌هایی که بخش اجتناب‌ناپذیر تبدیل شدن به یک کارآفرین موفق است، مقابله کنند (Gelaidan & Abdullateef, 2017). خلاقیت نیز به‌عنوان توانایی بهتر افراد در حل مسئله و غلبه بر مشکلات و کمبودها، یکی از صفات شخصیتی پایه برای کارآفرینی است (Camacho-Minano & Del Campo, 2017). پژوهش حاضر با توجه به اهمیت فزاینده کارآفرینی در آینده اقتصادی کشور و لزوم تقویت صفات شخصیتی و مهارت‌های شناختی لازم برای کارآفرینی در دوران کودکی، به‌دنبال بررسی تأثیر آموزش بسته کارآفرینی بر مؤلفه‌های خلاقیت و اعتمادبه‌نفس است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه پژوهش

دوران پیش از دبستان سال‌های کلیدی برای رشد ذهنی و جسمی کودکان محسوب می‌شوند، به‌طوری‌که عوامل مخمل رشد، در این مقطع زمانی ممکن است به شکل غیرقابل‌بازگشت بر پتانسیل یادگیری‌های آتی کودک تأثیرگذار باشند (Leisman & Mualem, Mughrabi, 2015). در همین راستا اغلب نظام‌های آموزشی معتبر، فارغ از رویکرد تربیتی - فرهنگی خود، بر این باورند که آموزش‌های عمومی باید از این سطح آغاز شده و به مراحل بعد تسری یابد. دلیل این کار، پتانسیل بالای کودک برای یادگیری هرچه بهتر دانش و

پی‌ریزی مهارت‌های اساسی است. در واقع، اعتقاد بر این است که با توجه به انعطاف‌پذیری¹ بالای ذهنی کودک، او مناسب‌ترین قابلیت بهره‌وری از آموزش‌های متنوع را در حوزه‌های گوناگون دارد (Ballantyne, Spilkin, Hesselink & Trauner, 2008؛ Keen, 2011). پژوهش‌های مختلف گواه این نکته‌اند که توانمندی کودکان در سال‌های پیش‌دبستانی بسیار کمتر از حد واقعی آن‌ها برآورد شده (به‌طور مثال، بنگرید به Almeida, Luz, Martins & Cordovil, 2011؛ Leisman et al, 2015)، و در نتیجه با چشم‌پوشی از آموزش به‌هنگام دانش‌های مفهومی و کاربردی، تا حد زیادی از سرمایه‌های بالقوه یادگیری افراد چشم‌پوشی شده است. عدم توجه به آموزش کارآفرینی در سنین ابتدایی علل متفاوتی دارد؛ فقدان آگاهی از دستاوردهای گسترده کارآفرینی و تفکر کارآفرینانه، فقدان بازخورد فوری از آموزش‌های پایه در کارآفرینی، عدم حمایت‌های دولتی و ملی برای اجرای برنامه‌های کارآفرینی طولانی‌مدت و زود هنگام، فقدان و یا کمبود افراد متخصص که توأمان مجهز به دانش کارآفرینی و رشد کودک باشند و در نهایت شناخت و فهم ناقص از کارآفرینی و ریشه‌های آن. این عوامل می‌توانند توفیق کم در آموزش کارآفرینی در سنین پیش از دبستان را توجیه کنند. هر چه شاخص‌های توسعه اقتصادی ممالک ضعیف‌تر باشد، موانع بیشتری بر سر راه کارآفرینی و به تبع آن آموزش کارآفرینی وجود خواهد داشت (Isaacs, Visser, Friedrich & Brijlal, 2007).

کارآفرینی تا حد زیادی موفقیت‌های آتی را پیش‌بینی می‌کند و ترکیب آن با آموزش مناسب تخصصی می‌تواند تضمین‌کننده آینده مطلوب باشد (Michelacci & Schivardi, 2017). اهمیت آموزش کارآفرینی در ایران، به‌تازگی در حوزه‌های پژوهش و آموزش عملی مورد توجه قرار گرفته است. برای مثال، پژوهش‌هایی همچون «تأثیر آموزش کارآفرینی با روش داستان‌سرایی بر نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی» (آراستی، قدوسی و باقری، 1395)، و «آموزش کارآفرینی در دوره ابتدایی با رویکرد تلفیقی» (عزیزی و مختاری، 1396)، نشان‌دهنده توجه به این مسئله در عرصه دانشگاهی کشور هستند. در حوزه

آموزش عملی نیز تعداد محدودی مؤسسه با فعالیت محدود و مرتبط با آموزش‌های کارآفرینانه برای کودکان 8-12 سال وجود دارند (بهمنی، 1392). با توجه به شاخص‌های اقتصادی کشور و تجارب آموزشی محدود در حوزه کارآفرینی کودک، خلأ پژوهش در این باب به شدت احساس می‌شود. البته نباید از این نیز نکته غافل شد که آموزش در سنین پایه باید مبتنی بر اصول و چهارچوب‌های روانشناسی تحولی و متناسب با سن و فرهنگ بومی افراد باشد. در همین راستا جفری و وایروان¹ (2018)، در پژوهشی «توسعه بازی‌های کارآفرینانه برای آموزش کودکان پیش‌دبستانی با استفاده از یک رویکرد نظام‌مند» را بررسی کردند. این پژوهش که شامل دو مطالعه بود، با استفاده از بازی‌های سنتی اندونزی، به بررسی آموزش‌های کارآفرینی پرداخت. در مطالعه اول، یک دستورالعمل برای بازی‌های سنتی تهیه شد که بتوان بر مبنای آن به آموزش کارآفرینی پرداخت. در مطالعه دوم، 8 بازی انتخاب شد و بررسی تأثیرات آن بر درونی‌سازی کارآفرینی مدنظر قرار گرفت. برای ارزیابی‌ها نیز از 40 متخصص آموزش دیده استفاده شد. نتایج، حاکی از هماهنگ شدن مناسب بازی‌های سنتی با اهداف آموزش کارآفرینی بود. مؤلفان پیشنهاد دادند، برای آموزش کارآفرینی در دوره پیش‌دبستانی بهره‌گیری از منابع بومی (بازی‌های بومی) می‌تواند مؤثر باشد.

گفته می‌شود چنانچه آموزش‌های کارآفرینی به شکلی زود هنگام صورت گیرد، علاوه بر اثربخشی بیشتر می‌تواند تا حد قابل توجهی از هزینه‌های اجتماعی شروع یک کسب و کار، بکاهد. به طور مثال، اتحادیه اروپا در گزارشی اظهار کرد که مشکلات ناشی از بیکاری و کمک‌های مالی دولت‌ها برای کمک به شروع کسب و کار جدید، تنها در سال 2011 میلادی، 101 میلیارد یورو هزینه به کشورهای این اتحادیه تحمیل کرده (Green, 2013) که بخش قابل توجهی از این هزینه‌ها می‌توانست با آموزش مناسب کارآفرینی در سنین پایین کاهش یابد (Green, 2013). براساس آخرین آمارها، بیش از 7 میلیون کودک چهارساله و حدود 6 میلیون کودک پنج تا نه ساله در سراسر کشور وجود دارند (مرکز آمار ایران، 1395). از یک سو با توجه به آمار قابل توجه بیکاری و سیستم آموزشی ناکارآمد به لحاظ خصائص کارآفرینی، و از

سوی دیگر با توجه به وجود سرمایه‌های انسانی قابل توجه برای آموزش زود هنگام کارآفرینی، اهمیت برنامه‌ریزی مبتنی بر کارآفرینی برای گروه مذکور به منظور کاهش مشکلات احتمالی آینده و کمک به پیشرفت در تمام سطوح، کاملاً مشهود است.

علاوه بر این، آموزش کارآفرینی به کودکان مزایای ویژه‌ای دارد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: کاهش هزینه شکست با کسب تجارب متعدد در مشاغل کوچک و بهبود مهارت‌های فردی بر حسب تجربه (Marnoto & Carvalho, 2016)، افزایش سطح دورنمای فکری برای آینده (Marnoto & Carvalho, 2016)، بهبود اخلاق کاری که تکامل آن از دوران کودکی آغاز می‌شود، اکتساب فهمی قوی از ارزش پول، گسترش تفکر خلاق و حل مسئله (Fillis & Rentschler, 2005)، بهبود مهارت‌های ارتباطی و تنظیم اهداف در سراسر گستره عمر (Paço & Palinhas, 2011).

تعدادی از پژوهش‌ها حاکی از آنند که احتمالاً آموزش‌های پیش دبستانی می‌توانند اثرات پایا و بلندمدت بر برخی از سازه‌های روان‌شناختی به جای بگذارند. (Walter & Block, 2016؛ Bakken, Brown & Downing, 2017). یکی از مهم‌ترین سازه‌هایی که در نتیجه آموزش‌های پیش دبستانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس باوری است که به فرد اجازه می‌دهد دیدگاه واقعی و مثبت نسبت به خود داشته باشد، به توانایی‌های خود اعتماد کند و احساس کنترل بر زندگی داشته باشد (Furlong, Gilman & Huebner, 2009). بنا بر برخی شواهد، اعتماد به نفس سازه‌ای است که به شدت تحت تأثیر سن قرار دارد. عده‌ای بر این باورند که تفاوت‌هایی محسوس در تظاهرات اعتماد به نفس کودکان نسبت به بزرگسالان وجود دارد. به طور مثال، کودکان تنها زمانی به معنای واقعی احساس اعتماد به نفس می‌کنند که در قالب گروه مورد بررسی قرار گیرند، در حالی که این اتفاق در بزرگسالی مطرح نیست (Young, 2016). بیشتر پژوهش‌ها، ارتباط میان آموزش با پیشرفت اعتماد به نفس را تنها در سال‌های مدرسه رصد کرده‌اند (El-Daw & Ferkany, 2008). Hammoud, 2015). با این حال ثابت شده است که تا پنج سالگی اعتماد به نفس به حد تکامل

خود می‌رسد و پس از این سن کمتر تغییر می‌یابد (Cvencek & Greenwald, 2016). با در نظر گرفتن این نکته، خلأ پژوهش‌هایی که به‌طور صریح اثرات آموزش را در سنین تحول این سازه، سنین پیش‌دبستانی، مورد بررسی قرار دهند، به چشم می‌خورد. بر همین اساس یکی از فرضیات مورد سنجش در این پژوهش به این موضوع پرداخته:

« آموزش کارآفرینی موجب بهبود اعتماد به نفس کودکان 4-6 ساله می‌شود.

یکی دیگر از مهم‌ترین سازه‌های روانی-شناختی که می‌تواند در نتیجه آموزش پیش‌دبستانی تقویت شده و تجلی یابد، خلاقیت است. خلاقیت فرآیندی از حساسیت نسبت به مشکلات، خلأهای موجود و عدم همگنی است که طی آن شناسایی دشواری مسائل، جست‌وجوی راه‌حل و یا فرمول‌بندی فرضیه‌ها حاصل شده و آزمودن و بازآزمایی فرضیه‌ها به منظور اصلاح و بازتولید آن‌ها برای رسیدن به پاسخ/پاسخ‌ها صورت می‌گیرد (Torrance, 1962؛ Sharma & Rani, 2017). شاید یکی از اصلی‌ترین موانع در ایجاد آموزش‌های کارآفرینی، این باشد که موضوعاتی همچون نوآوری و خلاقیت غالباً به عنوان صفات شخصیتی افراد در نظر گرفته می‌شوند. در واقع این پیش‌فرض وجود دارد که افراد با این ویژگی‌ها متولد شده و این یک استعداد ذاتی است که آن‌ها را خلاق، مبتکر و کارآفرین می‌کند (Edwards-Schachter and et al, 2015). در سنین پیش‌دبستانی، خلاقیت نقش عمده‌ای در ابعاد مختلف رشد کودک بازی می‌کند. به‌طور مثال، اظهار می‌شود که کودک خلاق‌تر، فرصت بیشتری برای تأثیرگذاری بر محیط اطراف خود دارد، بیشتر جست‌وجیز کرده و مهارت‌های بیشتری کسب می‌کند (رشد حرکتی)، تا حدی توانایی تفکر منتقدانه می‌یابد و مهارت‌های حل مسئله را به کار می‌گیرد (رشد شناختی)، در جریان حل مسائل و جست‌وجوی محیط و بافت اجتماعی خود بهتر تعامل می‌کند (رشد اجتماعی) و در نهایت از عهده انجام کارها بهتر برآمده و احساس اعتماد به نفس بیشتری (رشد هیجانی) دارد (Sousa, 2006). بنابراین، خلاقیت که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های روان‌شناختی کارآفرینان موفق است، باید جزو لاینفک آموزش دوره پیش‌دبستانی باشد. با این حال به دلیل محدودیت‌های مختلف اجرایی (زمان محدود آموزش، شیوه‌نامه‌های آموزشی از پیش تعیین شده و

نتیجه‌گرایی در آموزش) و نگرشی (کم‌اهمیت جلوه دادن خلاقیت در این دوره سنی)، عموماً از آموزش مبتنی بر خلاقیت اجتناب شده (Yildirim, 2010) و خلأ چشمگیری در این باب در آموزش پیش دبستانی به چشم می‌خورد.

پژوهش‌های زیادی بر ارتباط قوی خلاقیت و توانایی‌های کارآفرینانه تأکید کرده‌اند. یتی و عزیزا¹ (2017)، در قالب یک طرح اقدام‌پژوهی، روی 20 کودک پنج تا شش ساله نیجریه‌ای، فرآیند رشد خلاقیت طی سال‌های نخست کودکی بر اثر آموزش‌های کارآفرینی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحلیل کمی، از روند افزایشی خلاقیت در نتیجه آموزش‌های کارآفرینی حکایت می‌کرد، به طوری که میانگین نمره خلاقیت کودکان از 34/3 در قبل از آموزش، به 44/5 در دوره اول و از نمره مذکور به 54/7 نمره در دوره دوم رسید.

تحلیل‌های کیفی نیز از افزایش خلاقیت کودکان در خصایصی همچون ابتکار، تفکر سیال، انعطاف‌پذیری، استقلال در عمل، اعتماد به نفس و ریسک‌پذیری بالا که از ویژگی‌های افراد خلاق و کارآفرینان موفق است، حکایت دارند (Campbell, 2016). در واقع، خلاقیت یک ضرورت برای ایجاد ایده‌هایی است که می‌توانند به فرصت‌های شغلی تبدیل شوند (Pret, Shaw & Carter, 2016). بر همین اساس، در این پژوهش در قالب چهار فرضیه به

بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر ابعاد مختلف خلاقیت در کودکان پرداخته شده است:

- ◀ بسته آموزش کارآفرینی موجب بهبود سیالی کودکان 4-6 ساله می‌شود.
- ◀ بسته آموزش کارآفرینی موجب بهبود انعطاف کودکان 4-6 ساله می‌شود.
- ◀ بسته آموزش کارآفرینی موجب بهبود ابتکار کودکان 4-6 ساله می‌شود.
- ◀ بسته آموزش کارآفرینی موجب بهبود بسط کودکان 4-6 ساله می‌شود.

روش‌شناسی

این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات، کمی-آزمایشی است. طرح تحقیق پژوهش حاضر از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه آزمایش و کنترل

بود. فرآیند انجام تحقیق به این صورت بود که ابتدا محققان به مطالعه و بررسی متون، اسناد و منابع کتبی و شفاهی موجود پرداخته و با توجه به نظرات متخصصان حوزه کارآفرینی، روان‌شناسی و آموزش، بسته آموزش کارآفرینی را تدوین کردند. سپس به بررسی تأثیر بسته آموزش کارآفرینی بر خلاقیت و اعتماد به نفس کودکان پرداختند.

جامعه آماری این پژوهش را کودکان چهار تا شش ساله 2 مرکز پیش‌دبستانی منطقه 18 شهر تهران، در سال تحصیلی 97-98 تشکیل می‌دهند. تعداد کل جامعه آماری 120 نفر بود. روش نمونه‌گیری با توجه به مقتضیات اجرایی و دشواری‌های انتخاب تصادفی، روش هدفمند است. در پژوهش حاضر 30 نفر از کودکان دختر و پسر، با در نظر گرفتن ملاک‌های ورود و خروج آزمودنی‌ها، از 2 مرکز پیش‌دبستانی انتخاب شده و پس از همسان‌سازی براساس سن، به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل (15 کودک مرکز 1 در گروه آزمایش و 15 کودک مرکز 2 در گروه کنترل)، جایگزین شدند. بعد از جایگزینی گروه آزمایش و گروه کنترل، پرسش‌نامه‌های خلاقیت و اعتماد به نفس در بین دو گروه (ابتدا گروه کنترل، سپس گروه آزمایش) اجرا و سپس دوره آموزشی برای گروه آزمایش اجرا شده و در نهایت بعد از اتمام جلسات آموزشی، مجدداً نسبت به توزیع پرسش‌نامه‌ها (ابتدا گروه کنترل، سپس گروه آزمایش) اقدام شد. در ادامه، به معرفی بسته آموزشی کارآفرینی و ابزارهای مورد استفاده در پژوهش پرداخته شده است.

بسته آموزش کارآفرینی: این برنامه با محور قرار دادن شرح مذکور در چهار بخش کلی: الف. مفاهیم عددی و مالی، ب. آشنایی با مشاغل، ج. خلاقیت، تفکر و حل مسئله د. اعتماد به نفس، خودآگاهی و خودپنداره و در قالب فعالیت‌های متنوع آموزشی با محور بازی، به عنوان مهم‌ترین شیوه آموزشی طی دوران پیش‌دبستانی (Milteer Ginsburg, 2002؛ Bergen, 2002)، تدوین شده است. برنامه مذکور در قالب 11 جلسه، هفته‌ای 2 جلسه، 9 جلسه 60 دقیقه‌ای مداخله و 2 جلسه 90 دقیقه‌ای برای اجرای پیش‌آزمون-پس‌آزمون اجرا شد. شرح مختصر جلسات در جدول 1 آمده است.

جدول 1. شرح مختصر جلسات آموزش کارآفرینی بر اساس بسته آموزشی (عزیزی و

همکاران، 1398)

زمان	سرفصل‌ها، فعالیت‌ها و اهداف جلسات آموزشی	جلسات	مؤلفه‌های آموزشی
90 دقیقه	معرفی فعالیت‌ها و اهداف پژوهش، اخذ پیش‌آزمون	جلسه اول	
60 دقیقه	فعالیت طراحی پول خانوادگی اهداف: تقویت فهم ارزش پول، تقویت فهم قراردادی بودن مفهوم پول	جلسه دوم	مفاهیم عددی و مالی
60 دقیقه	بازی خرید از فروشگاه، فعالیت جعبه‌های بانک و هزینه و فعالیت پاکت‌های هدف اهداف: کمک به تصمیم‌گیری مناسب در مورد خرج کردن پول، فهم اهمیت پس‌انداز پول برای آینده، فهم ماهیت کمی پول	جلسه سوم	
60 دقیقه	آشنایی با انواع مشاغل، علاقه‌مندی‌ها و استعداد شغلی از طریق آشنایی با ویدیوهای داستانی اهداف: طبقه‌بندی مشاغل، علایق شغلی	جلسه چهارم	آشنایی با مشاغل
60 دقیقه	بازی بسته پنهان، بازی درهم تنیدگی، بازی اجزای کار و بازی صحبت کردن نوبتی اهداف: تقویت مهارت‌های تفکر خلاقانه، حل مسئله، استدلال و فهم متقابل	جلسه پنجم	خلاقیت، تفکر و حل مسئله
60 دقیقه	بازی برج‌سازی، کوله‌های مسافرت، ابداع مشاغل عجیب غریب اهداف: تقویت همکاری، خویشتن‌داری، راهبردهای حافظه	جلسه ششم	
60 دقیقه	بازی آغاز و پایان، گربه وزیر، نجوهای چینی، بازی رئیس پولدار، تجسم از شغل آینده اهداف: تقویت پذیرش خود، مهارت‌های ارتباطی غیر کلامی، زنجیره ایده‌ها، بیان خود، استقامت (پشتکار)، فهم تضادها	جلسه هفتم	مهارت‌های ارتباطی - اجتماعی و رهبری
60 دقیقه	کارت‌های صحبت کردن، بازی تصور صحبت با گربه‌ها، بازی سیر داستان و بازی احساس هیجان اهداف: تقویت فهم مفاهیم پرسشی، تحلیل - همدلی، گوش دادن اثربخش، بیان خود، مهارت‌های همکاری	جلسه هشتم	اعتماد به نفس، خودآگاهی و خودپنداره
60 دقیقه	بازی‌های دنبال‌روی با چشمان بسته، معاشرت آرام و پیروی از دستورات اهداف: تقویت اعتماد به نفس، دادن دستورالعمل، خویشتن‌داری، همدلی، گرفتن نوبت، سازگاری، پرسش برای روشن‌نگری	جلسه نهم	
60 دقیقه	بازی‌های حدس صدا، دویدن به اطراف، داستانم را به من بگو، من اگر رئیس کمپانی.... اهداف: بیان خود، گوش دادن مؤثر، حفظ موضوع، کنترل صدا، خودآگاهی، خویشتن‌داری، بیان و یا بازشناسی هیجان‌ها، سازگاری، فهم تضادها، فهم صفات و استفاده مناسب از آن‌ها	جلسه دهم	مهارت‌های ارتباطی - اجتماعی و رهبری
90 دقیقه	مرور فعالیت‌های قبلی، سیاست‌گذاری از اولیا، مربیان و شرکت‌کنندگان و اهدای هدایایی برای قدردانی از شرکت‌کنندگان (برای گروه‌های آزمایش و کنترل)، انجام پس‌آزمون	جلسه یازدهم	

ابزار گردآوری داده‌های پژوهش، آزمون استاندارد تفکر خلاق تورنس¹ (1974)، و پرسش‌نامه استاندارد اعتماد به نفس کودکان عزیزی مقدم (1386) بود که در ادامه به معرفی آن‌ها پرداخته شده است.

آزمون تفکر خلاق تورنس (1974):

یکی از متداول‌ترین و مناسب‌ترین شیوه ارزیابی خلاقیت در سنین پیش از دبستان است که به دو صورت کلامی و تصویری (غیر کلامی) و در دو فرم موازی «الف» و «ب» عرضه شده است. در پژوهش حاضر، برای ارزیابی سطح تفکر خلاق کودکان از فرم «الف» و «ب» تصویری استفاده شد که دارای سه تکلیف مجزا است. اجرای هر تکلیف 10 دقیقه و در مجموع 30 دقیقه طول می‌کشد. این فرم‌ها شامل چهار فعالیت به شرح ذیل است: 1- ساختن یک تصویر با استفاده از شکل، 2- تکمیل تصاویر ناقص، 3- ساختن تصویر با استفاده از دایره‌ها، 4- ساختن تصویر با استفاده از خطوط موازی. در آزمون تصویری تورنس، چهار مؤلفه سیالی²، انعطاف‌پذیری³، ابتکار⁴ و بسط⁵ اندازه‌گیری شدند (Torrance, 1974)، به نقل از گنجی، نیوشا و هدایتی، (1391). مطالعات مربوط به بررسی اعتبار آزمون خلاقیت تورنس، اعتبار بالای 0/90 را گزارش کرده‌اند (Torrance, 1990). ضرایب اعتبار برای آزمون تصویری خلاقیت تورنس، در پنج مطالعه انجام‌شده در دامنه 0/78 تا 1 بوده است (Kim, 2006). در پژوهش پیرخائفی (1372)، ضریب پایایی در فاصله زمانی دو هفته، به شیوه بازآزمایی روی 48 دانش‌آموز، در عناصر سیالی 0/78 در ابتکار 0/74، در انعطاف‌پذیری 0/81 و در بسط 0/9 گزارش شده است (پیرخائفی، 1372، به نقل از گنجی و همکاران، 1391). همچنین روایی محتوایی ابزار فوق به تأیید متخصصان روان‌سنجی و روان‌شناسی رسیده است (پیرخائفی، 1372، به نقل از گنجی و همکاران، 1391)؛ بنابراین آزمون‌های تورنس، به‌ویژه فرم «ب» تصویری، آزمون‌های مرجع در حوزه خلاقیت محسوب می‌شود. ضریب پایایی در این

1 Torrance Test of Creativity Thinking

2 Fluency

3 Flexibility

4 Originality

5 Elaboration

پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ برای شاخص‌های بسط 0/78، ابتکار 0/76، سیالی 0/79 و انعطاف‌پذیری 0/81 به دست آمد.

پرسش‌نامه اعتماد به نفس کودکان:

این پرسش‌نامه که توسط عزیز می‌مقدم (1385) طراحی شده، با 20 گویه به سنجش میزان عزت نفس کودکان می‌پردازد. مریبان برای هر یک از کودکان بر اساس مشاهدات خود پرسش‌نامه را تکمیل می‌کنند. این پرسش‌نامه به صورت مقیاس چهاردرجه‌ای (خیلی زیاد، زیاد، کم، خیلی کم) است که هر یک از این گزینه‌ها به ترتیب 1، 2، 3 و 4 امتیاز دارند. لازم به ذکر است که سؤالات 3، 4، 5، 6، 9 و 20 به صورت معکوس نمره گذاری می‌شوند. روایی محتوایی توسط متخصصان مربوطه تأیید شد. همچنین پایایی کل آزمون نیز 0/87، پایایی بُعد اجتماعی 0/44، بُعد تحصیلی 0/78، بُعد خانوادگی 0/75 و بُعد جسمانی 0/6 گزارش شده است (عزیزی مقدم، 1385). ضریب پایایی در این پژوهش با استفاده از آلفای کرونباخ 0/79 به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی با نرم‌افزار SPSS23 استفاده شد. در آمار توصیفی از میانگین، انحراف استاندارد و کجی و کشیدگی استفاده شد. در آمار استنباطی نیز از تحلیل کوواریانس چندمتغیری¹ و تحلیل کوواریانس یک‌راهه² استفاده شد. با توجه به اینکه خلاقیت دارای چهار مؤلفه سیالی، انعطاف، ابتکار و بسط است، برای بررسی تأثیر بسته آموزش کارآفرینی بر خلاقیت، از تحلیل کوواریانس چندمتغیری استفاده شد. برای بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر اعتماد به نفس نیز از تحلیل کوواریانس یک‌راهه استفاده شد.

یافته‌ها

الف) توصیف جمعیت شناختی

شرکت کنندگان در پژوهش، 30 نفر (15 پسر و 15 دختر) از کودکان چهار تا شش ساله مرکز پیش دبستانی منطقه 18 شهر تهران، در سال تحصیلی 97-98 بودند.

1 Multivariate analysis of covariance (MANCOVA)

2 One-way analysis of covariance (ANCOVA)

جدول 1.

درصد فراوانی		سن آزمودنی‌ها
گروه کنترل	گروه آزمایش	
6/61	6/61	4 سال
40	13/33	5 سال
53/33	80	6 سال

جدول 2. شاخص‌های توصیفی گروه‌ها در مؤلفه‌های خلاقیت و اعتمادبه‌نفس

گروه	متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی
کنترل	پیش‌آزمون سیالی	15	9	17	12/26	2/78	0/458	1/404
	پس‌آزمون سیالی	15	7	17	11/53	2/66	0/243	0/095
	پیش‌آزمون انعطاف	15	7	18	12/14	3/22	0/276	0/853
	پس‌آزمون انعطاف	15	6	16	10/26	3/35	0/151	0/590
	پیش‌آزمون ابتکار	15	32	49	40/80	4/95	0/027	0/077
	پس‌آزمون ابتکار	15	31	50	41/06	7/42	0/049	1/700
	پیش‌آزمون بسط	15	25	49	36/86	7/04	0/223	0/686
	پس‌آزمون بسط	15	21	49	35/11	8/18	0/014	0/688
	پیش‌آزمون اعتمادبه‌نفس	15	32	51	40/73	5/56	0/593	0/226
	پس‌آزمون اعتمادبه‌نفس	15	34	49	42/26	4/94	0/013	1/242
آزمایش	پیش‌آزمون سیالی	15	5	17	10/93	3/65	0/072	0/595
	پس‌آزمون سیالی	15	6	19	12/46	4/30	0/152	1/032
	پیش‌آزمون انعطاف	15	7	16	11/06	2/73	0/112	0/861
	پس‌آزمون انعطاف	15	10	21	17/06	2/78	1/264	1/855
	پیش‌آزمون ابتکار	15	31	47	39/60	4/62	0/499	0/015
	پس‌آزمون ابتکار	15	48	77	64/66	7/26	0/684	0/877
	پیش‌آزمون بسط	15	24	50	37/46	8/55	0/127	1/374
	پس‌آزمون بسط	15	43	63	54/26	6/40	0/327	1/334
	پیش‌آزمون اعتمادبه‌نفس	15	32	48	39/13	3/99	0/305	0/569
	پس‌آزمون اعتمادبه‌نفس	15	33	65	54/66	7/17	1/990	1/941

جدول 2 نشان می‌دهد که در میانگین مؤلفه‌های خلاقیت و اعتمادبه‌نفس در گروه کنترل، در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. این درحالی است که در گروه آزمایش و پس از اعمال متغیر مستقل، میانگین این متغیرها افزایش چشم‌گیری داشته

است. برای بررسی معناداری تفاوت بین نمرات گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون، برای سازه خلاقیت از تحلیل کوواریانس چندمتغیری و برای سازه اعتماد به نفس از آزمون تحلیل کوواریانس یکراهه استفاده شد؛ به این ترتیب که نمره پیش آزمون و سن شرکت کنندگان به عنوان عامل همپراش و از نمرات پس آزمون به عنوان متغیرهای وابسته استفاده شد. بنابراین اثرات پیش آزمون، سن و جنس بر پس آزمون در تحلیل کوواریانس کنترل شده است. در راستای اجرای آزمون کوواریانس چندمتغیره، ابتدا مفروضه‌های این آزمون بررسی شدند. با توجه به مقادیر کجی و کشیدگی که در جدول 2 گزارش شده است، می‌توان گفت توزیع تمامی متغیرها از توزیع نرمال تبعیت می‌کند؛ بنابراین اولین مفروضه برقرار است. برابری ماتریس کوواریانس متغیرهای وابسته با آزمون باکس، همگنی واریانس‌ها با آزمون لوین و کرویت متغیرهای وابسته با آزمون بارتلت نیز مورد بررسی قرار گرفت و نتایج آزمون‌ها نشان‌دهنده برقراری تمام مفروضه‌های لازم آزمون کوواریانس چندمتغیره بود.

ج) آزمون فرضیه‌ها

یافته‌های حاصل از تحلیل کوواریانس چندمتغیری حاکی از این است که مقدار F چندمتغیری (اثر لامبدای ویلکز) در سطح $0/01$ از لحاظ آماری معنادار است ($P > 0/01$)، $F=72/341$. بنابراین بین دو گروه، حداقل در یکی از 4 متغیر پس آزمون، تفاوت معنادار وجود دارد. برای مشخص کردن این تفاوت، نتایج تحلیل کوواریانس در جدول 3 گزارش شده است.

جدول 3. نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت گروه آزمایش و کنترل در مؤلفه‌های خلاقیت

حیطه	مجموع مجدورات آزمایشی	مجموع مجدورات خطا	میانگین مجدورات آزمایشی	میانگین مجدورات خطا	F	سطح معناداری	اندازه اثر	توان آزمون
پس آزمون سیالی	14/80	238/063	14/80	9/91	1/49	0/23	0/05	0/21
پس آزمون انعطاف	289/74	225/10	289/74	9/37	30/89	0/001	0/56	1
پس آزمون ابتکار	3998/25	1270/43	3998/25	52/93	75/53	0/001	0/75	1
پس آزمون بسط	2658/06	1260/89	2658/06	52/53	50/59	0/001	0/67	1

با توجه به جدول 3، در تمام متغیرهای وابسته به جز سیالی، اختلاف گروه آزمایش و کنترل پس از کنترل اثر پیش آزمون معنادار بوده است. این به معنای آن است که بسته آموزش کارآفرینی به طور معناداری موجب بهبود انعطاف، ابتکار و بسط شرکت کنندگان در پژوهش شده، اما بر سیالی تأثیر معناداری ندارد.

برای بررسی تفاوت بین گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون اعتماد به نفس، از آزمون تحلیل کوواریانس یک راه استفاده شد. به منظور اطمینان درباره همسانی واریانس ها، ابتدا از آزمون لوین استفاده شد. میزان آماره F لوین برای اعتماد به نفس ($F=0/194$ ، $P>0/05$) به دست آمد که بیانگر همسانی دو گروه آزمایش و کنترل است. در جدول 4 نتایج تحلیل کوواریانس گروه ها در مؤلفه های خلاقیت گزارش شده است.

جدول 4. نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت گروه آزمایش و کنترل در اعتماد به نفس

توان آزمون	اندازه اثر	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات خطا	میانگین مجذورات آزمایشی	مجموع مجذورات خطا	مجموع مجذورات آزمایشی	حیطه
0/99	0/50	0/001	27/75	37/48	1040/34	1011/99	1040/34	پس آزمون اعتماد به نفس

با توجه به جدول 4، می توان نتیجه گرفت که بین گروه آزمایش و کنترل در پس آزمون اعتماد به نفس تفاوت معناداری وجود دارد و میانگین گروه آزمایش (54/66) به طور معناداری بالاتر از میانگین گروه کنترل (42/26) است. این به معنای آن است که بسته آموزش کارآفرینی به طور معناداری موجب افزایش اعتماد به نفس شرکت کنندگان در پژوهش شده است.

بحث و نتیجه گیری

یافته های پژوهش حاضر حکایت از بهبود سه مؤلفه از مؤلفه های چهارگانه خلاقیت، پس از آموزش 11 جلسه ای کارآفرینی داشت. با توجه به جدول شماره 3، اندازه اثرات و توان آزمون حکایت از اثربخشی نسبتاً بالای متغیر مستقل بر تغییرات مؤلفه های خلاقیت داشت (به جز سیالی). ابتکار به عنوان توانایی تفکر به شیوهی غیرمتداول و خلاف عادت رایج، اصالت و

ابتکار مبتنی بر ارائه‌ی جواب‌های غیر معمول، عجیب و زیرکانه به مسائل تعریف می‌شود. این مؤلفه در مقیاس تصویری تورنس توسط هر سه خرده‌آزمون سنجیده می‌شود. انعطاف‌پذیری که توسط خرده‌آزمون 2 و 3 آزمون تورنس سنجیده می‌شود، به‌عنوان توانایی تفکر به راه‌های مختلف برای حل مسئله‌ی جدید تعریف شده است. به‌واقع تفکر قابل‌انعطاف، الگوهای جدیدی برای اندیشیدن طراحی می‌کند. بسط نیز که توسط هر سه خرده‌آزمون سنجیده می‌شود، به‌عنوان توانایی توجه به جزئیات در حین انجام یک فعالیت تعریف می‌شود. در واقع، اندیشه‌ی بسط‌یافته به تمام جزئیات لازم برای یک طرح می‌پردازد و چیزی را از قلم نمی‌اندازد. در نهایت سیالی نیز که توسط خرده‌آزمون‌های 2 و 3 سنجیده می‌شود و به کمیّت پاسخ‌های فرد به یک مسئله مرتبط است، به‌عنوان توانایی برقراری رابطه‌ی معنادار بین فکر و اندیشه و بیان تعریف شده است که افراد را قادر می‌سازد راه‌حل‌های متعددی در حل مسئله ارائه دهند. این ویژگی مبتنی بر این عقیده است که کمیّت موجب کیفیت می‌شود (Torrance, 1974، به نقل از گنجی، نوشا و هدایتی، 1391). یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های هیوبر و همکاران (2015)؛ یتی و عزیزا (2017) و آنتونیو¹ و همکاران (2014) همسو بود. در حقیقت یافته‌های این بخش از پژوهش تأکیدی است بر ارتباط دوسویه خلاقیت و کارآفرینی. در تبیین این یافته می‌توان گفت، ارائه مفاهیم کارآفرینی به زبان ساده و قابل‌فهم و در قالب بازی‌های هیجان‌انگیز، شرایط یادگیری اعضای نمونه را تسهیل کرده است. در واقع در سنین کودکی می‌توان خلاقیت کودکان را توسعه داد. برای مثال، در بازی ابداع مشاغل عجیب غریب، کودکان پس از ارائه‌ی چند مثال توسط مربی توانستند مفهوم خلاقیت را به‌خوبی در قالب مشاغل ابداعی‌شان برونی‌سازی کنند. تأکید مربی در این بازی بر ارائه جواب‌های بدیع، متنوع و دور از ذهن بود. ابداع مشاغل ذهنی از جمله "فروش اینترنتی زمین‌های کره مریخ"، "اطلاع‌رسانی که در سطح خیابان به مردم جویای آدرس یاری می‌رساند"، "تاکسی دوچرخه" و "تعمیرکار از راه دور لوازم منزل" توسط کودکان گروه

آزمایش، شاهدی بر درک مفهوم خلاقیت توسط اعضای گروه و استفاده از ابتکار و انعطاف در تولید مفاهیم جدید بود.

همچنین یافته‌های مربوط به فرضیه پنجم پژوهش، حکایت از بهبود اعتمادبه‌نفس شرکت‌کنندگان گروه آزمایش داشت. یافته‌های این بخش با یافته‌های پژوهش‌های پیشین همسو بود که از جمله می‌توان به اسونی¹ (2011) و شینار، هسو و پاوول² (2014) اشاره کرد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتمادبه‌نفس یکی دیگر از سازه‌هایی است که در افراد کارآفرین در سطح بالایی قرار دارد. از دیگر سو، دیدگاه‌های تحولی نشان داده‌اند که بخش اصلی اعتمادبه‌نفس کودکان در سنین کودکی شکل می‌گیرد. بنابراین طبیعی به نظر می‌رسد که از طریق آموزش بتوان تغییر مثبت در میزان اعتمادبه‌نفس کودکان ایجاد کرد. در بسته آموزشی طراحی شده برای این پژوهش، هم به سطوح تحولی کودکان و هم به مسائلی مثل شغل، بازار و پول که از نگاه کودکان این سن، از نشانه‌های بزرگی و قدرت است، توجه شده. دیگر اینکه، اهم آموزش‌ها از طریق بازی و با استفاده از اصول نظریه یادگیری همدلانه، شکل گرفته است. موارد یادشده در کنار آموزش کودکان در گروهی متفاوت با آموزش روزمره، که تأثیر زیادی در رشد اجتماعی و اعتمادبه‌نفس دارد، می‌تواند تبیین دقیقی برای تغییرات مثبت ایجادشده در گروه آزمایش نسبت به کنترل باشد.

با توجه به نتایج کلی پژوهش حاضر، می‌توان نتیجه گرفت که آموزش کارآفرینی در سال‌های ابتدایی، علاوه بر آشنایی زودهنگام کودکان با مفاهیم پایه کارآفرینی، بر اعتمادبه‌نفس و خلاقیت آن‌ها نیز تأثیر مثبت داشته و از آنجا که این دو سازه نقش مهمی در موفقیت افراد در زمینه کارآفرینی دارند، می‌توانند موجب شکل‌گیری ساختار اولیه روحیه کارآفرینی در کودکان شوند. بر همین اساس، می‌توان نتایج پژوهش حاضر را شاهدی دیگر (در کنار سایر پژوهش‌ها) برای نشان دادن اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی در دوران کودکی به‌شمار آورد.

1 Asoni

2 Shinnar, Hsu & Powell

در پایان، این پژوهش نیز مانند هر پژوهش دیگری خالی از محدودیت نیست. در این راستا می توان به عدم امکان نمونه گیری تصادفی و نمونه هایی در ابعاد بزرگ تر به خاطر کمبود منابع مالی، محدود بودن قلمرو جغرافیایی پژوهش و عدم امکان اخذ نمرات پیگیری اشاره کرد. در نهایت با توجه به یافته های پژوهش، پیشنهاد می شود برنامه ریزان و مدیران آموزشی، در قالب پودمان های آموزشی، به گنجاندن اصول کارآفرینی متناسب با سطوح تحولی کودکان اقدام کنند. همچنین به پژوهشگران آتی پیشنهاد می شود با انجام تحقیقی طولی، اثربخشی بسته آموزشی مورد نظر را در طولانی مدت مورد بررسی قرار دهند.

منابع

آراستی، زهرا؛ قدوسی، سمیرا و باقری، افسانه (1395). «تأثیر آموزش کارآفرینی از طریق روش داستان‌سرایی بر نگرش کارآفرینانه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی»، توسعه کارآفرینی، 9(4)، 593-612.

بهمنی، ندا (1392). «شناسایی محتوا و روش تدریس کارآفرینی با هدف تقویت نگرش کارآفرینانه در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی»، پایان‌نامه ارشد، تهران، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران.

عزیزی، زهره (1398). «تدوین بسته آموزش کارآفرینی و تأثیر آن بر خلاقیت، سازگاری اجتماعی و اعتماد به نفس کودکان پیش‌دبستانی»، رساله دکترای روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، مرکز تحصیلات تکمیلی تهران

عزیزی، محمد و مختاری، نگار (1396). «آموزش کارآفرینی برای دانستن، انجام دادن و بودن در دوره ابتدایی با رویکرد تلفیقی»، توسعه کارآفرینی، 10(4)، 635-654.

عزیزی مقدم، ابوبکر (1385). «بررسی رابطه کانون کنترل مدیران با سلامت سازمانی مدارس شهرستان مهاباد در سال تحصیلی 84-85»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه ارومیه.

گنجی، کامران؛ نیوشا، بهشته و هدایتی، فاطمه (1391). «تأثیر آموزش خلاقیت به مادران بر افزایش خلاقیت کودکان پیش‌دبستانی»، ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، 2(2)، 71-93.

---- (1395). *هرم سنی ایران بر اساس نتایج سرشماری 1395 (صفحه 24)*. تهران: مرکز

آمار ایران.

Almeida, G., Luz, C., Martins, R., & Cordovil, R. (2016). Differences between estimation and real performance in school-age children: Fundamental movement skills. *Child Development Research*, 2016.1-7.

Antonio, T., Lanawati, S., Wiriana, T. A., & Christina, L. (2014). Correlations Creativity, Intelligence, Personality, and Entrepreneurship Achievement. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 115, 251-257.

Asoni, A. (2011). *Intelligence, self-confidence and entrepreneurship*. Unpublished master's thesis, USA, Chicago: University of Chicago and Research Institute of Industrial Economics.

Bakken, L., Brown, N., & Downing, B. (2017). Early childhood education: The long-term benefits. *Journal of research in Childhood Education*, 31(2), 255-269.

- Ballantyne, A. O., Spilkin, A. M., Hesselink, J., & Trauner, D. A. (2008). Plasticity in the developing brain: intellectual, language and academic functions in children with ischemic perinatal stroke. *Brain*, *131*(11), 2975-2985.
- Bergen, D. (2002). The role of pretend play in children's cognitive development. *Early Childhood Research & Practice*, *4*(1):20-33.
- Camacho-Miñano, M. D. M., & del Campo, C. (2017). The role of creativity in entrepreneurship: An empirical study on business undergraduates. *Education+ Training*, *59*(7/8), 672-688.
- Campbell, S. (2016). 10 Traits of Highly Creative Achievers. Retrieved 1 Octob 2018, from: <https://www.entrepreneur.com/article/280602>
- Cvencek, D., Greenwald, A. G., & Meltzoff, A. N. (2016). Implicit measures for preschool children confirm self-esteem's role in maintaining a balanced identity. *Journal of Experimental Social Psychology*, *62*, 50-57.
- Edwards, S. (2018). 5 Benefits of Teaching Young Children about Entrepreneurship. Retrieved 1 October 2018, from: <https://www.entrepreneur.com/article/292631>
- Edwards-Schachter, M., García-Granero, A., Sánchez-Barrioluengo, M., Quesada-Pineda, H., & Amara, N. (2015). Disentangling competences: Interrelationships on creativity, innovation and entrepreneurship. *Thinking Skills and Creativity*, *16*, 27-39.
- El-Daw, B., & Hammoud, H. (2015). The Effect of Building Up Self-Esteem Training on Students' Social and Academic Skills 2014. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, *190*, 146-155.
- Ericsson, K. A., Prietula, M. J., & Cokely, E. T. (2007). The making of an expert. *Harvard business review*, *85*(7/8), 114.
- Ferkany, M. (2008). The educational importance of self-esteem. *Journal of Philosophy of Education*, *42*(1), 119-132.
- Fillis, I., & Rentschler, R. (2005). Using creativity to achieve an entrepreneurial future for arts marketing. *International journal of nonprofit and voluntary sector marketing*, *10*(4), 275-287.
- Furlong, M. J., Gilman, R., & Huebner, E. S. (Eds.). (2009). *Handbook of positive psychology in schools (page 151)*. London: Routledge.
- Gelaidan, H. M., & Abdullateef, A. O. (2017). Entrepreneurial intentions of business students in Malaysia: the role of self-confidence, educational and relation support. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, *24*(1), 54-67.
- Gelaidan, H. M., & Abdullateef, A. O. (2017). Entrepreneurial intentions of business students in Malaysia: the role of self-confidence, educational and relation support. *Journal of Small Business and Enterprise Development*, *24*(1), 54-67.
- Green, F. (2013). Youth entrepreneurship. *Background paper for the OECD Centre for Entrepreneurship, SMEs and Local Development (p.1)*, Paris.
- Huber, L. R., Sloof, R., & Van Praag, M. (2014). The effect of early entrepreneurship education: Evidence from a field experiment. *European Economic Review*, *72*, 76-97.
- Isaacs, E., Visser, K., Friedrich, C., & Brijlal, P. (2007). Entrepreneurship education and training at the Further Education and Training (FET) level in South Africa. *South African Journal of Education*, *27*(4), 613-630.

- Jufri, M., & Wirawan, H. (2018). Internalizing the spirit of entrepreneurship in early childhood education through traditional games. *Education+ Training*, 60(7/8), 1-15.
- Keen, R. (2011). The development of problem solving in young children: A critical cognitive skill. *Annual review of psychology*, 62, 1-21
- Kim, K. H. (2006). Can we trust creativity tests? A review of the Torrance Tests of Creative Thinking (TTCT). *Creativity research journal*, 18(1), 3-14.
- Leisman, G., Mualem, R., & Mughrabi, S. K. (2015). The neurological development of the child with the educational enrichment in mind. *Psicología Educativa*, 21(2), 79-96.
- Marnoto, S., & Carvalho, J. (2016). Developing Entrepreneurship Skills in Children and Teenagers. *Obrazovanje za poduzetništvo-E4E: znanstveno stručni časopis o obrazovanju za poduzetništvo*, 6(2), 67-78.
- Michelacci, C., & Schivardi, F. (2017). Are They All Like Bill, Mark, and Steve? The Education Premium for Entrepreneurs Retrieved 1 October 2018, from: https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3042623
- Milteer, R. M., Ginsburg, K. R., & Mulligan, D. A. (2012). The importance of play in promoting healthy child development and maintaining strong parent-child bond: Focus on children in poverty. *Pediatrics*, 129(1), e204-e213.
- Paço, A. D., & Palinhas, M. J. (2011). Teaching entrepreneurship to children: a case study. *Journal of Vocational Education & Training*, 63(4), 593-608.
- Pret, T., Shaw, E., & Carter, S. (2016, February). The role of creativity in entrepreneurial ideation. In *2016 Australian Centre for Entrepreneurship Research Exchange (ACERE) Conference*.
- Sarikaya, M., & Coşkun, E. (2015). A new approach in preschool education: Social entrepreneurship education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 195, 888-894.
- Sharma, A., & Rani, V. (2017). Construction and Standardization of Creativity Test. *International Journal of Engineering Technology, Management and Applied Sciences*, 5(6), 156-162.
- Shinnar, R. S., Hsu, D. K., & Powell, B. C. (2014). Self-efficacy, entrepreneurial intentions, and gender: Assessing the impact of entrepreneurship education longitudinally. *The International Journal of Management Education*, 12(3), 561-570.
- Sousa, D. A. (2006). How the arts develop the young brain: Neuroscience research is revealing the impressive impact of arts instruction on students' cognitive, social, and emotional development. *School Administrator*, 63(11), 26-32.
- Torrance, E. R. (1990). The Torrance tests of creative thinking. *Norms-technical manual*.
- Walter, S. G., & Block, J. H. (2016). Outcomes of entrepreneurship education: An institutional perspective. *Journal of Business Venturing*, 31(2), 216-233.
- Yetti, E., & Azizah, S. A. (2017). Improved Creativity in Early Childhood through Entrepreneurship Education. *Advances in Social Science, Education and Humanities Research (ASSEHR)*, 58, 399-404.
- Yildirim, A. (2010). Creativity in early childhood education program. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 9, 1561-1565.
- Young, K. (2016). *Handbook of social psychology (p.215)*. London: Routledge.